

اتروسک ها :



منشأ اتروسک ها مانند منشأ میسنی ها، صدها سای یکی از اسرار ناشناخته جهان باستان بود. گاردنر در این رابطه چندین نظریه را مطرح می کند؛ منن جمله نظریه هرودوت، پدر تاریخ، و همگی را به نحوی رد می کند. او در نهایت بیان می کند: " امروزه بیشتر محققان بر سر این نکته اتفاق نظر دارند که هنر اتروسک، عمدتاً در سده های 7 و 8 ق.م و در پی مهاجرت و اقامت یونانیان در ایتالای جنوبی شکل یافت و تکامل یافت."

اتروسک ها بدون آنکه ذره ای از خصایل بومی خود دست بردارند، مشتاقانه فرهنگ یونانی را جذب کردند و با سرمشق قرار دادن کوچ نشینان یونانی، از زندگی در روستاها دست برداشتند و به تمدن شهری روی آوردند. در سده 6 ق.م، اتروسک ها در بیشتر نواحی شمالی و مرکزی ایتالیا، دژهای نیرومندی ساختند. اما این شهرها هیچ گاه با یکدیگر متحد نشدند تا کشور یگانه ای را تشکیل دهند؛ به همین علت، صحبت از ملت یا پادشاهی اتروسک، سخن درستی نیست. این شهزها صرفاً با همدیگر هم زیستی داشتند. به دلیل همین ناپیوستگی سیاسی، به راحتی در برابر رومی ها، شکست خوردند.

معماری اتروسک ها :

از معماری اتروسک ها، اطلاعات چندانی در دست نیست. یکی از نکات مهم در مورد معماری اتروسک ها، این است که به طرز قابل توجهی از طاق سنگی استفاده می کردند که مورد پسند یونانیان نبود اما رومیان سده های بعد، به آن اهمیت زیادی دادند.

خانه اتروسکی : ساختمان مستطیل شکل ساده ای با سقف شیب دار بود که تدریجاً تکامل یافت و در دهلیز های سرگشاده خانه های پومیایی و هرکولائوم رومیان به اوج تکامل خود رسید. در واقع دهلیز سرگشاده کانون زندگی خانوادگی و زیارتگاه خدایان خانگی به شمار می رفت.

معبد اتروسکی :

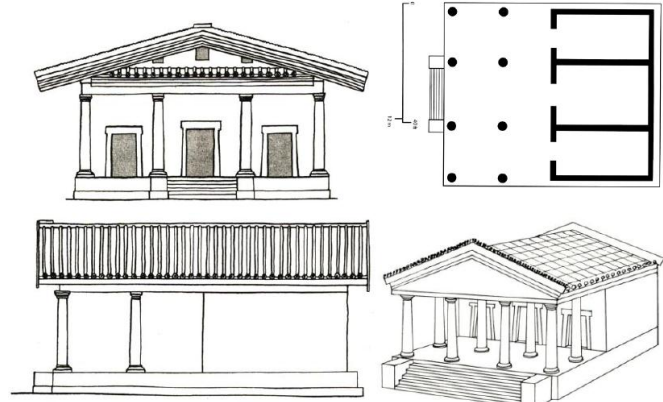
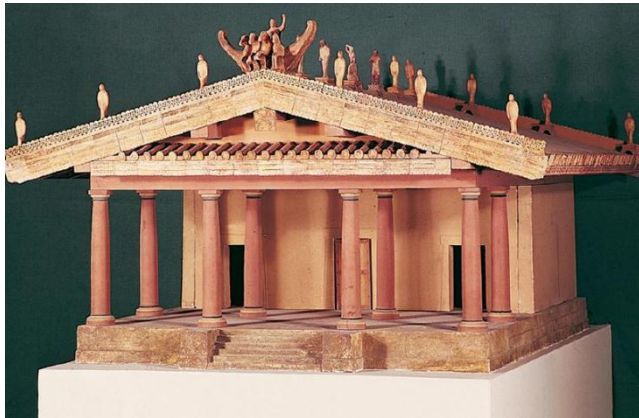
ویتریوس معمار و مهندس رومی سده اول ق.م اطلاعاتی درباره معبد اتروسکی داده است. این نوع معبد به احتمال زیاد با تقلید از معابد یونانی ساخته شده است. به طور مثال، نقشه ساختمانی آن تشابه بسیار دقیقی به نقشه رواق یا ستون بندی بی دیوار یونانی دارد. **اما با**

تفاوتهای :

معبد اتروسک ها بر روی پایه بلندی به نام **پودپوم** قرار می گرفت و فقط از یک طرف پله می خورد و با روش تیرهای افقی و عمودی از چوب و خشت ساخته می شد؛ با نقش برجسته ای از گل پخته خوش رنگ.

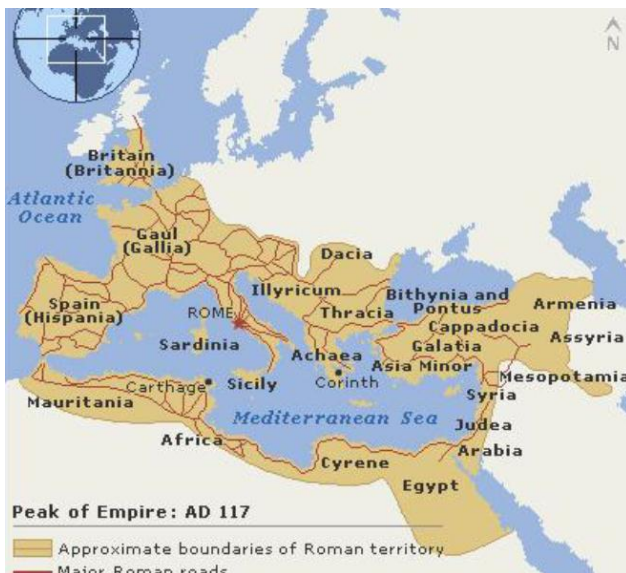
اتروسک ها بر نمای رواق ورودی، معبد نسبت به سایر نماهای معبد، اهمیت فوق العاده ای می دادند؛ علاوه بر این، سازماندهی محوری معبد اتروسک، اساسا با طرز سازماندهی معبد یونانی متفاوت بود. زیارتگاه یا فضای داخلی، که شامل 3 مقصوره هم اندازه بود، فضاهای تاریک دخمه یا غارمانندی را تشکیل می داد.

تفاوت مهم دیگر معبد اتروسکی با معبد یونانی در این است که فضای داخلی معبد اتروسکی نسبت به معبد یونانی اهمیت خاص دارد؛ و اساسا هدف از ساختن معبد اتروسکی این بود که به صورت یک جسم پیکری¹ دیده شود.



پلان-مقطع-نما و سه بعدی یک نمونه معبد آتروسکی

رومیان :



قدرت رم که بعد از اتروسک ها بر ایتالیا حاکم شد، اقوام ستیزنده ایتالیا را مطیع حکومت واحد رم کرد و در نهایت ملت های اروپای غربی، مدیترانه و خاور نزدیک را در زیر پرچم اکبراطوری رم، گرد آورد. مردمانی از نژادهای گوناگون و اعتقادات، زبان ها و سنت ها و فرهنگ های متفاوت در زیر پرچم رومیان گرد آمدند. قبل تر نبوغ یونانیان را در قلمروی عقل و تخیل و در عرصه های علم و هنر و فلسفه و تاریخ دیدیم. در مقایسه با یونانیان، نبوغ رومی در عرصه فعالیت های دنیوی - حقوق و کشاورزی - ظاهر می شود.

نیروهای عمده در جهت کشورگشایی و کشورداری به کار گرفته شد و همین کشورگشایی راه را برای اشاعه تمدن رومی باز می کرد. هر شهر، مرکزی برای اشاعه حکومت، زبان و رسوم رومیان بود و از طریق شبکه طراحی شده ای از

محدوده امپراطوری رم در اوج امپراطوری رم حدود 117 میلادی

¹ در معماری یونان دیدیم که یونانیان معبد را همچون پیکر آدمی می دانستند که به یک سورمطر و صبیع پیرامون می نرد.

جاده ها و بندرگاه ها با شهر رم در ارتباط بود. رم در سال 200 میلادی، پایتخت پهناورترین امپراطوری تاریخ بشر بود.

هنر رومی با آنکه در ابتدا تحت تاثیر هنر اتروسک ها و هنر یونانی بود، ویژگی ها و صفات متمایز کننده خود را به دست آورد. در عصر جمهوری و عصر آگوستوس، هلنیسم به مدی آگاهانه تبدیل شد.² سرداران رومی، مفرغ ها و مرمراه های یونانی را توسط کشتی به ایتالیا می آوردند و در تزئین کاخ های خود استفاده می کردند؛ سپس به **ساختن کپی** از روی آثار یونانی، روی آوردند و در نهایت هنر رومی در عصر امپراطورای که حاصل میراث غنی به اضافه نبوغ رومیان بود، پای به عرصه هستی نهاد.

هر چند تقریباً تا سال 1900 میلادی، اندیشندان هنر رومی را صرفاً شکل منحنی، غیر اصل و فروتری از هنر یونانی می دانستند. به اعتقاد گاردنر، هنر رومی چیزی است بیشتر از "انتشاردهنده" و حفظ کننده صرف میراث کلاسیک و نخستین مرحله جامع هنر اروپای غربی است.

"هنر رومی ضمن استفاده از شکل های کلاسیک، مفاهیم غیر کلاسیک را نیز بیان می کند. علاقه به شخصیت فردی را با علاقه به مفاهیم انتزاعی مانند "قانون"، "دولت" و "تمدن" در هم می آمیزد."

🚩 دوره جمهوری (ق.م. 510-80 ق.م.):

جمهوری رم بعد از اخراج آخرین پادشاهان (احتمالاً اتروریایی) تاسیس شد. از سده پنجم ق.م تا زوال دوره جمهوری و قتل یولیوس سزار در سال 44 ق.م دولت روم عمدتاً به گسترش قلمروی خود و تحکیم قدرت خود در خارج از خاک ایتالیا می پرداخت. در واقع به مدت 100 سال دچار جنگ های داخلی می شود که باعث شد دولت رم از تب و تاب بیفتد و قانون اساسی اش نابود شود. در همین دوره بحرانی جمهوری، که با افزایش نفوذ یونان همراه بود، هنر رومی به تدریج به عنوان پدیده ای مجزا و قابل تشخیص از سبک هلنی به ظهور رسید.

معماری دوره جمهوری:

تجلی چشمگیر اصالت رومیان در شبیه سازی ناتورالیستی از چهره، با درخششی بیشتر در عرصه معماری به چشم می خورد. به اعتقاد گاردنر، هویت رومی در نخستین دوره جمهوری رم، بخصوص در عرصه معماری و شهرسازی، دیده می شود.

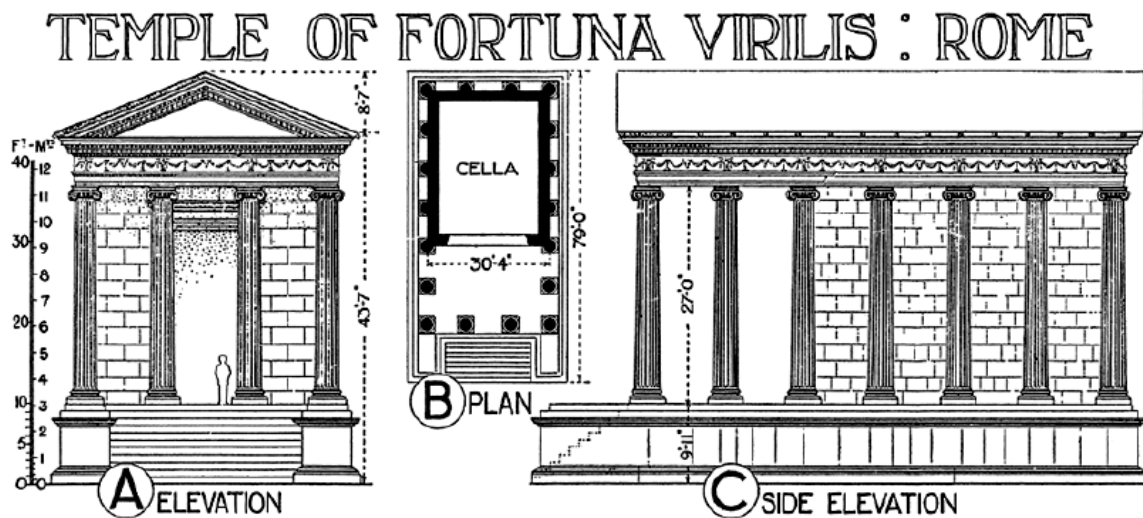
"معماران رومی برخلاف معماران یونانی که به ساختمان معبد اهمیت می دادند، بیشتر نیروی خود را برای ساختن بناهای بزرگ و ضروری، متمرکز کردند."

البته رومیان معبدهایی به تقلید از نقشه هایی که در آنها عناصری از معماری یونانی و اتروسک، به طرز بی مانندی ترکیب شده بود، ساختند. مانند معبد فورتونا و پریلیس در رم.

² هوراس در این رابطه می گوید: "یونان مغلوب، فاتح مغرورش را اسیر خود کرد."

معبد فورتونا ویریلیس - رم - سده 2 ق.م :

این معبد در نگاه اول مانند یک معبد دورستونی یونیک به نظر می رسد. معبد شامل مقصوره ای بزرگ در پشت رواقی عقب نشسته است. ساختمان معبد بر روی یک سکوی بلند اتروسکی ساخته شده است. نکته مهم در مورد این معبد این است که تنها رواق دارای ستون های آزاد و مستقل است و ستون های دیواره های بیرونی مقصوره، با دیوارها درگیر شده اند و جنبه ای صرفاً تزئینی دارند و هیچ نقشی در نگه داری از سقف ندارند. به این نوع ستون ها، "شبه دور ستونی" گویند. **الگوی این معبد شدیداً مورد علاقه معماران رومی بود.**



پلان و نماهای معبد فورتونا ویریلیس



معبد فورتونا ویریلیس

معماری دوره امپراطوری پسین :

تحولات معماری این دوره، آغاز زوال قدرت امپراطوری رم را نشان می دهد. به طور مثال، در روزگار حاکمیت اوگوستوس و ترايانوس، "دیوارها"ی امپراطوری در مرزهای خیلی دور افتاده بودند. اما در اواخر سده سوم، دورتا دور شهر رم را دیواری کشیدند و آن را به دژی مستحکم تبدیل کردند.

کاخ دیوکلسین (دیوکلتین) - 300 ب.م :

دیوکلسین نیز در حدود 300 ب.م، کاخ مستحکمی را در اسپلاتو ساخت؛ با مساحتی حدود 40 هزار متر مربع، از لحاظ پلان نقشه این کاخ به نقشه تیمگاد که مانند یک اردگاه نظام ساخته شده بود، یکی بود؛ حتی ایوان ستون دار جلوی در ورودی کاخ با فوروم تیمگاد، مطابقت دارد.

یکی از ویژگی های بسیار مهم تاریخ معماری سده های میانه، در حیاط ستون دار کاخ دیوکلسین، ظاهر می شود. این ویژگی، سنتوری ای است که به وسیله یک طاق از وسط شکسته و یا می توان گفت اسپر به صورت طاق در سنتوری، نمایان شده است³ و طاق بر روی ستون قرار گرفته. این تدبیر کاملاً غیر کلاسیک، در واقع **مرحله انتقالی** از تبدیل معماری تیر و ستونی یونانی به معماری طاق - ستونی سده های میانه است. و یا **مرحله انتقالی** از اسپر کلاسیک (که به شکل افقی است و متکی بر ستون است) به مرحله سوار شدن مستقیم طاق بر روی ستونها است.

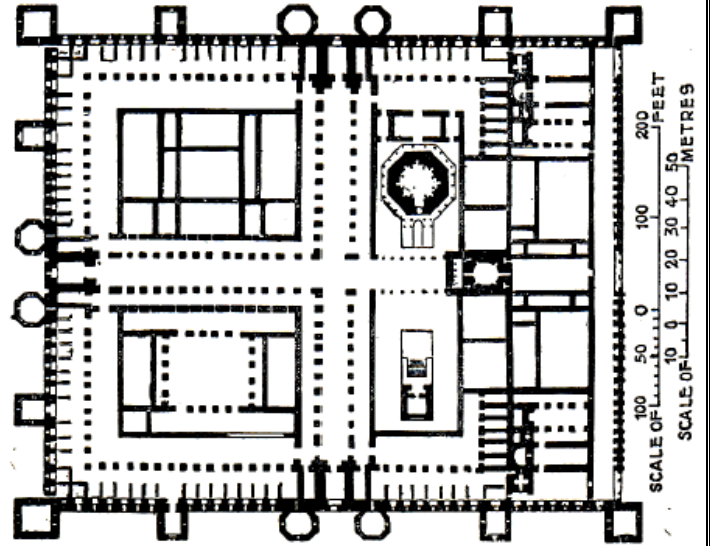
البته سوار شدن مستقیم طاق بر روی ستون را در ستون بندی های طرفین همین ایوان ستون دار کاخ دیوکلسین نیز می بینیم. در واقع :

" طاق بندی کاخ دیوکلسین در اسپلاتو اولین جایی است که این ویژگی با مقیاس بزرگ ظاهر می شود. "



کاخ دیوکلسین

³ این ویژگی در ایالت های شرقی امپراطوری قبل تر ظاهر شده بود در سردر یا نمای معابد بعلبک سوریه.



پلان و ایوان ستون دار کاخ دیوکلستین